

۹۵/۲/۱۱

• دریافت

۹۵/۹/۳

• تأیید

بررسی و نقد کتاب **أبو هلال العسكري** و مقایسه البلاغية والنقدية

حجت رسولی *

نجم‌الدین ارازی **

چکیده

کتاب **أبو هلال العسكري** و مقایسه البلاغية والنقدية اثر بدوی طبانه، از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر زبان عربی، است که در آن به معرفی **أبو هلال العسكري** و معیارهای نقدی و بلاغی وی پرداخته است. بدوی طبانه درباره اهمیت دیدگاه‌های **أبو هلال** سخن علوی در کتاب الطراز را ذکر کرده که می‌گوید: «**أبو هلال** در علم بلاغت بر هر دانشمند دیگری تقدم دارد و از این علم بهره فراوانی برده است». همچنین، طبانه اشاره می‌کند که عبدالقاهر جرجانی بسیاری از نظریات **أبو هلال** را در دو کتاب خود **أسرار البلاغة** و **دلائل الإعجاز** ذکر کرده است. با توجه به اهمیت موضوع این اثر و تدریس آن در مقطع دکتری زبان و ادبیات عربی به‌عنوان منبع فرعی درس نقد ادبی بررسی و نقد این کتاب ضروری است؛ بنابراین، این پژوهش درصدد پاسخ دادن به این سؤالات است: نقاط قوت و ضعف این کتاب چیست؟ و آیا این کتاب از نظر شکل و محتوا مشخصات کتاب درسی را دارد؟ نگارندگان با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در بررسی کتاب حاضر به این نتیجه رسیده‌اند که این اثر از نظر شکل و محتوا مشخصات کتاب درسی را ندارد. نقطه قوت کتاب این است که نخستین و مهم‌ترین اثری است که در آن کاملاً به معرفی **أبو هلال العسكري** و بررسی و نقد نظریات نقدی و بلاغی وی پرداخته شده است. از جمله نقطه‌ضعف‌های این اثر ایرادهای ویرایشی و چاپی و املائی، رعایت نکردن شیوه‌ای واحد در ارجاع‌ها و نداشتن ارجاع‌های دقیق به منابع در نیمه دوم کتاب است که اصلاح آنها ضروری است.

واژگان کلیدی:

أبو هلال العسكري، دیدگاه‌های بلاغی و نقدی، بدوی طبانه، نقد کتاب.

h-rasouli@sbu.ac.ir

n_arazi@sbu.ac.ir

* استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

مقدمه

أبو هلال العسكري، دانشمند و ادیب بزرگ ایرانی، از مهم‌ترین نویسندگان کتاب‌های نقدی و بلاغی قرن چهارم هجری است. کتاب الصناعیتین وی کتابی است علمی و آموزشی در زمینه نقد و بلاغت و از آنجا که این کتاب نقطه عطفی در تحول نقد به بلاغت است، اهمیت فراوانی در مطالعات نقدی و بلاغی دارد.

حسن بن عبدالله بن سعد العسكري (۳۱۰-۳۹۵ هـ) ادیب، لغوی، شاعر، عالم و فقیه بزرگ قرن چهارم شاگرد دایی اش أبو احمد العسكري بود. از جمله کتاب‌های او: الصناعیتین، جمهرة الامثال، معانی الأدب، کتاب الأوائل و... است (المراغی، ۱۹۵۰: ۹۳). أبو هلال در شهر عسکر مکرم یکی از مناطق خوزستان - به دنیا آمده است. به علت اینکه مکرم بن معز حارث، فرمانده سپاه حجاج بن یوسف، برای فرونشاندن فتنه مخالفان به آنجا آمده و در آنجا خرگاه زده، به نام عسکر مکرم شهرت یافته است (ابن خلکان ۱۹۷۷، ج ۴: ۱۶۲). کتاب الصناعیتین، که مهم‌ترین دیدگاه‌های أبو هلال را درباره مباحث نقدی و بلاغی در خود جای داده است، پیرامون دو صنعت شعر و نثر است و، همچنین، یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که در اواخر قرن چهارم هجری در زمینه نقد و علوم بلاغی نگاشته شده است. نویسنده کتاب، از معنا تا صورت، درباره اهمیت کتاب الصناعیتین می‌نویسد: «این کتاب، از حیث شمول مباحث، بسیار جامع است و تقریباً بیش‌تر نکته‌ها و آراء متقدمان را در باب شعر و نثر دربردارد و در تاریخ نقد و ادب مسلمان‌ها به دو دلیل عمده جایگاهی مهم و درخور را از آن خود ساخته است؛ نخست نقش سترگ این کتاب در چرخش نقد ادبی به نقد بلاغی صرف و دیگر تکوین قاعده‌هایی ثابت و خشک در مورد ادبیات و خروج تدریجی نقد ادبی از بنیاد ذوقی است» (محبتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۸۵). محمد نورالدین عبدالمنعم، نویسنده کتاب بلاغت عربی و تأثیر آن در پیدایش و تحول لغات فارسی، نیز درباره اهمیت الصناعیتین می‌گوید: «این کتاب، با پی‌ریزی پایه‌های اساسی

بلاغت، نقطه عطفی در پژوهش‌های بیانی و نقدی به‌شمار می‌رود که به همه مباحث ذوقی رویکردی قاعده‌مند بخشید، به‌گونه‌ای که این کتاب در حال حاضر هم از مهم‌ترین منابع علم بلاغت قلمداد می‌شود» (عبدالمنعم، ۲۰۰۸: ۲۶). شوقی ضیف در کتاب البلاغة؛ تطور و تاریخ می‌نویسد: «أبو هلال مسلماً همه صور بلاغی و بدیعی پراکنده‌ای را که ناقدان و بلاغت‌دانان تا زمان او ثبت کرده بودند، در کتاب خود گردآوری کرده است و این، بی‌شک، بر ارزش کار وی می‌افزاید. او در کتابش به آوردن مثال‌های فراوان و در بسیاری از اوقات به تحلیل جوانب مختلف آن همت گماشت؛ تحلیل‌هایی که به‌خوبی احساس و درک قوی و ذوق سلیم وی را نشان می‌دهد» (ضیف، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

پیشینه تحقیق: بسیاری از کتاب‌های نقدی معاصر، که به نقد قدیم پرداخته، مطالبی را درباره أبو هلال العسكري و کتاب الصناعتین وی ذکر کرده، به برخی از آراء او در زمینه‌های مختلف از جمله لفظ و معنا، سرقت شعری، صنایع بدیعی و ... اشاره کرده و تا حدی منبع سخنان وی را مشخص کرده است. در این قسمت به برخی از این کتاب‌ها و مطالب آنها درباره أبو هلال و کتابش الصناعتین اشاره می‌شود: بدوی طبانه در کتاب البیان العربي، که در ۱۹۵۸ منتشر شد، در بحثی مختصر ضمن تحقیق درباره توجه به صنعت لفظی در قرن چهارم به بررسی کتاب الصناعتین پرداخته است. شوقی ضیف در کتاب البلاغة؛ تطور و تاریخ در بحثی مختصر و مفید به بررسی کتاب الصناعتین پرداخته است. نویسنده تلاش کرده تا با معرفی باب‌های ده‌گانه‌ی کتاب به منابعی، که أبو هلال از آنها استفاده کرده است، نیز اشاره کند. امل مشایخ در ۱۹۹۶ در دانشگاه اردن از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان أبو هلال العسكري ناقداً دفاع کرد. وی در این پایان‌نامه به‌صورت مبسوط به بررسی نظرهای نقدی أبو هلال العسكري در الصناعتین پرداخته است. فایز مدالله الذنیبات در پایان‌نامه دکتری قضايا الأسلوب والبلاغة عند العسكري في کتاب الصناعتین، که در

۲۰۰۶ در دانشگاه مؤتة اردن دفاع کرد، به بررسی آراء أبو هلال از دیدگاه بلاغت جدید پرداخته است.

در باره کتاب أبو هلال العسكري و مقایسه النقدیة و البلاغیة تاکنون مقاله و نقدی نوشته نشده است و تنها سه پایان نامه درباره بررسی و ترجمه کتابهای بدوی طبانه در ایران نگاشته شده است: ۱- ارجمندی، عبدالحسین، (۱۳۷۱)، «ترجمه نقد ادبی در یونان اثر بدوی أحمد طبانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران. ۲- پیرزادی، صدیقه (۱۳۹۳)، «ترجمه و بررسی کتاب دراسات فی نقد الأدب العربی اثر بدوی طبانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم. ۳- خاصه، سمانه، (۱۳۹۳)، «درآمدی بر سرقتهای ادبی با تکیه بر ترجمه کتاب السرقات الأدبیة دراسة فی ابتکار الأعمال الأدبیة و تقلیدها نوشته بدوی طبانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.

کتاب أبو هلال العسكري و مقایسه البلاغیة و النقدیة از مهم ترین آثار نویسنده و پژوهشگر برجسته زبان عربی، بدوی طبانه، است که در آن به معرفی أبو هلال العسكري و معیارهای نقدی و بلاغی وی پرداخته است. این اثر اگرچه مشخصات کتاب درسی را ندارد، اما با توجه به اهمیت مباحث آن و اینکه به عنوان کتاب کمکی قابل استفاده است، بررسی و نقد آن ضروری به نظر می رسد. نقد این کتاب، با توجه به دستورالعمل شورای بررسی متون در پژوهشگاه علوم انسانی، در دو سطح شکلی و محتوایی و با مراجعه به متن اثر و با کمی سایر آثار مربوط در این زمینه صورت خواهد پذیرفت. این پژوهش در صدد پاسخ دادن به سوالات زیر است: نقاط قوت و ضعف این کتاب چیست؟ و نویسنده تا چه اندازه در معرفی دیدگاههای نقدی و بلاغی أبو هلال العسكري موفق بوده است؟

معرفی نویسنده و کتاب

۱. بدوي أحمد طبانه

بدوي طبانه در ۱۹۱۴ در شهرک شهداء از توابع استان منوفیه در مصر به دنیا آمد و در ۲۰۰۰ در قاهره وفات یافت. او دوران آموزش قبل از دانشگاه خود را در شهرهای شهداء و قاهره سپری کرد و، سپس، به دانشکده دارالعلوم العلیا پیوست و مدرک کارشناسی خود را در رشته زبان و ادبیات عربی در ۱۹۳۸ از آنجا دریافت کرد. بدوي طبانه در ۱۹۵۱ با دفاع از رساله خود با عنوان أبو هلال العسكري و مقایسه البلاغية والنقدية موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در گرایش بلاغت و نقد ادبی از دانشگاه قاهره شد. وی مدرک دکترای خود را در ۱۹۵۳ در گرایش بلاغت عربی از دانشکده دارالعلوم دانشگاه قاهره با دفاع از رساله خود با نام قدامة بن جعفر والنقد الأدبي دریافت کرد.

از جمله منصب‌های اجرایی و علمی او عبارت‌اند از:

- تدریس در دانشکده دارالعلوم و دانشگاه‌های بغداد، طرابلس و دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود عربستان
 - عضویت در فرهنگستان زبان عربی قاهره
 - عضویت در انجمن ادبیات معاصر
 - عضویت در انجمن ادبی عقاد
 - دریافت جایزه قدردانی از سوی دولت در حوزه ادبیات و هنر در ۱۹۹۶
- بدوي طبانه دارای تألیف‌های فراوانی در بلاغت و نقد ادب عربی است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: التيارات المعاصرة في النقد الأدبي، معروف الرصافي وأدب المرأة العراقية که شامل پژوهش‌های او در حوزه ادبیات معاصر است. همچنین، کتاب‌های دراسات في نقد الأدب العربي، قدامة بن جعفر والنقد الأدبي، أبو هلال العسكري و مقایسه البلاغية والنقدية، قضايا النقد

الأدبی، السرقات الأدبیة، معلقات العرب، البیان العربی، علم البیان و معجم البلاغة العربیة که در بردارنده تحقیق‌های بدوی طبانہ در زمینة ادبیات قدیم عربی است (www.almoajam.org).

۲. معرفی کتاب

کتاب حاضر، که پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد بدوی طبانہ بوده، نخستین بار انتشارات دارالمعارف مصر در ۱۹۵۲ در ۲۲۳ صفحه آن را به چاپ رسانده است. چاپ دوم این کتاب در ۱۹۶۰ از سوی مکتبة الانجلو المصریة در ۲۳۸ صفحه صورت گرفته است. این کتاب در ۱۹۸۱ در ۲۳۹ صفحه از سوی انتشارات دارالثقافة لبنان به چاپ سوم رسیده است. طرح روی جلد کتاب ساده و معمولی و از هر تصویر، طرح و نشانه‌ای، که به مطالب اصلی اثر همانند نقد ادبی و بلاغت و أبو هلال العسكري مربوط باشد، خالی است.

الف) مباحث کتاب

این کتاب یک مقدمه، یک پیشگفتار و شش فصل دارد که دربرگیرنده محتوای اصلی کتاب است. در پایان کتاب هم به ترتیب فهرست منابع، فهرست مطالب و فهرست کتاب‌های چاپ شده و در دست چاپ نویسنده این اثر آمده است. عنوان‌ها و مباحث شش فصل اصلی کتاب به ترتیب زیر است:

فصل اول: زندگی أبو هلال العسكري

فصل دوم: نقد و بلاغت قبل از أبو هلال

فصل سوم: منابع نقد و بلاغت او

فصل چهارم: روش أبو هلال

فصل پنجم: معیارهای نقدی او

فصل ششم: معیارهای بلاغی أبو هلال و اثر آن در بلاغت و بلاغت‌نویسان

ب) مقدمه و پیشگفتار

نویسنده در یک مقدمه کوتاه بر چاپ سوم این کتاب یادآور می‌شود که این کتاب در چاپ‌های قبلی دارای نواقصی بوده که در این چاپ برطرف شده است. سپس، نویسنده در بخش پیشگفتار، که در واقع مدخلی است برای ورود به سایر مباحث، در هفت صفحه عالمانه به بیان مباحث نظری و مقدماتی درباره بلاغت و نقد پرداخته که شامل این مباحث است: بلاغت در فرهنگ عربی، روش علمی در نقد ادبیات، اعتراض‌های گوناگون به بلاغت عربی و روش پژوهش. بدوی طبانه در پایان به بیان اهداف خود از نگارش کتاب و بیان فهرست‌وار فصل‌های شش‌گانه آن پرداخته است. طبانه درباره اهمیت أبو هلال و کتاب الصناعتین وی می‌نویسد: «او یکی از کسانی است که ساختمان باشکوه بلاغت و نقد عربی را پایه‌گذاری کردند و کتاب الصناعتین وی یکی از بزرگ‌ترین تألیف‌های نقدی و علمی است که به موضوع ادبیات پرداخته و برای بخش‌های گوناگون آن مرزها و معیارهایی مشخص کرده است» (طبانه، ۱۹۸۱: ۱۳).

پ) فصل اول: أبو هلال

نویسنده فصل نخست کتاب خود را با عنوان أبو هلال در ۲۷ صفحه نگاشته و در آن به این موضوعات پرداخته است: شهر او (عسکر مکرم)، زندگی‌نامه أبو احمد العسكري، دایی أبو هلال العسكري و شباهت نام این دو، زندگی أبو هلال، استادان او، فرهنگ او، آثار أبو هلال و توضیحاتی درباره مهم‌ترین آنها که عبارت‌اند از: الصناعتین و دیوان المعانی و لغوي المعجم في بقية الأشياء، تحقیق درباره نسبت دادن رساله تفضیل بین بلاغت عرب و عجم به أبو هلال، ادبیات انشائی أبو هلال، نمونه‌هایی از شعر و نثر او.

ت) فصل دوم: نقد و بلاغت قبل از أبو هلال

این فصل در ۲۹ صفحه به معرفی سیر تحول نقد و بلاغت قبل از أبو هلال اختصاص دارد. سپس، نویسنده به معرفی مختصر نظرها و دیدگاه‌های دانشمندان مهم نقد و بلاغت عربی پرداخته است. مطالبی که در این فصل از آنها سخن رفته است، عبارت‌اند از: فرهنگ ادبیات عربی و جایگاه شعر در آن، نقد و روش‌های آن در دوران جاهلی و اسلامی، ابن سلام و کتابش طبقات الشعراء، جاحظ و کتابش البیان والتبیین، ابن قتیبه و شورش و اعتراض او علیه داوری‌های گذشتگان، ابن معنز و البدیع، ابن طباطبا و روش آموزشی او در کتاب عیار الشعر، قدامة بن جعفر و روش علمی او در نقد ادبیات، پژواک روش علمی: آمدی و قاضی جرجانی، نقد و بلاغت و وجوه اختلاف و شباهت آنها. نویسنده در این فصل به بیان انواع نقد در دوران قبل از أبو هلال پرداخته و از نقدهای ذوقی و شخصی در دوره‌های آغازین نقد عربی، نقد بلاغی نزد جاحظ و ابن قتیبه، نقد ذوقی و علمی ابن معنز، نقد برخاسته از منطق یونانی نزد قدامة بن جعفر، نقد ذوقی و تطبیقی نزد آمدی و قاضی جرجانی نام برده است. در نهایت، بر این نظر است که کتاب الصناعتين أبو هلال در بردارنده همه نقدها و نظریات دانشمندان پیشین است.

ث) فصل سوم: منابع نقد و بلاغت او

نویسنده این فصل را در ۱۶ صفحه نگاشته و آثار جاحظ، ابن معنز، قدامة بن جعفر و ابن قتیبه را از مهم‌ترین منابع دانسته که أبو هلال از آنها برای تألیف کتاب خود بهره گرفته است. طبانہ در این فصل به صورت جزئی به مقایسه منابعی پرداخته که أبو هلال در تألیف کتاب خود از آنها بهره برده است. همچنین، بدوی طبانہ درباره تأثیر قدامة بن جعفر بر أبو هلال می‌نویسد: «دلیل تألیف کتاب الصناعتين این است که قدامة بن جعفر تنها درباره نقد شعر کتاب نگاشته و أبو هلال العسكري کار وی را با

نقد شعر و نثر کامل کرده است» (همان: ۷۷). نویسنده در چندین مورد امانت علمی أبو هلال را زیر سؤال برده و معتقد است که وی نظرها و مثال‌های دانشمندان پیشین را به خود نسبت داده است. طبانه در صفحه ۸۳ این کتاب می‌نویسد که أبو هلال العسكري مطالبی را دربارهٔ بیتی از ابوتمام ذکر کرده که همگی در کتاب الموازنة آمدی وجود دارد، با این تفاوت که آمدی منابع این سخنان را ذکر کرده، اما أبو هلال العسكري با جرأت تمام می‌گوید که این سخنان از اوست، درحالی‌که او نقل‌کنندهٔ نقد و تعلیق‌ها و مثال‌های آن است. طبانه در پایان این فصل آورده که: «ایرادی که به أبو هلال وارد می‌کنیم، این است که او سخنی را از دانشمندی می‌گیرد، درحالی‌که صاحب آن سخن را می‌شناسد، وی را نادیده می‌گیرد و آن سخن را به خود نسبت می‌دهد» (همان: ۸۸).

ج) فصل چهارم: روش أبو هلال

نویسنده این فصل را در ۳۳ صفحه به بررسی و تحقیق دربارهٔ روش کار أبو هلال اختصاص داده است. وی ابتدا به روش‌های گوناگون نقدی و مثال‌های آن نزد ناقدان بزرگ اشاره کرده و شش روش نقدی را برشمرده است: نقد ذاتی، نقد موضوعی، نقد نحوی، نقد متکلمان و فلاسفه، نقد علمی و نقد توضیحی. طبانه در ادامه به دو هدف دینی (اعجاز قرآن) و ادبی أبو هلال از نگارش کتاب الصناعتین اشاره کرده و بر این نظر است که بلاغت از نظر أبو هلال دارای این فواید است: فایدهٔ ادراک اعجاز قرآن، فایدهٔ نقدی، که در نقد و مفاضله و تشخیص کلام نیک از بد به عالم کمک می‌کند و فایدهٔ انشائی، که ادبا را در تشخیص کلمات نیک و استفادهٔ درست از آنها در سرودن شعر و نگارش نثر یاری می‌رساند. نویسنده در ادامه دربارهٔ روش کار أبو هلال در کتاب الصناعتین سخن گفته است. با وجود اینکه أبو هلال در این کتاب از روش متکلمان و فیلسوفان تبری جسته است، اما طبانه بر این نظر است

که وی در الصناعتین با تأثیرپذیری از روش قدامت‌بن جعفر روش متکلمان را در پیش گرفته و به آنها خدمت کرده است و برای این سخن خود مثال‌هایی را از کتاب ذکر کرده که بیانگر استفاده او از اصطلاحات فیلسوفان و متکلمان است (همان: ۱۰۶-۱۰۸). همچنین، نویسنده بر این نظر است که أبو هلال از روش نقد لغوی، نقد نحوی، روش آموزشی و روش جست‌وجوی صنعت بلاغی در الصناعتین بهره برده است.

چ) فصل پنجم: معیارهای نقدی او

محتوای این فصل، که بخش عمده کتاب را به خود اختصاص داده، از ۶۳ صفحه تشکیل شده و شامل نظرهای طبانه درباره دیدگاه‌های نقدی أبو هلال است و بخش تطبیقی این اثر را تشکیل می‌دهد. طبانه در این فصل دیدگاه‌های مهم و اساسی أبو هلال را، که دارای سخن جدیدی در نقد و بلاغت است، در پنج مبحث اصلی بررسی کرده است که عبارت‌اند از: الفاظ، معانی، معانی شعر، معانی ادبیات از حیث حقیقت و خیال و مبحث سرقات شعری. مبحث الفاظ شامل این زیرمجموعه هاست: لفظ غریب، لفظ وحشی، الفاظ مشترك، الفاظ سهل و جزل، حروف وصل و ربط، موسیقی الفاظ و کمیت در اسلوب. نویسنده درباره موضوع کمیت در اسلوب آورده که أبو هلال کامل‌ترین سخن را درباره موازنه ایجاز و اطناب گفته است؛ زیرا بر این نظر است که برخی از سخن‌ها نیاز به اطناب و برخی نیاز به ایجاز دارند. نمی‌توان یکی از آنها را بر دیگری برتری داد. طبانه در مبحث معانی به این مسائل پرداخته است: غلو، وحدت بیت و درستی معانی. طبانه معتقد است که أبو هلال از نخستین ناقدانی است که متوجه موضوع تجدید و تقلید شده است. او درباره این جمله أبو هلال که می‌گوید: «گروهی از اصحاب صناعت هستند که بدون اینکه از کسی پیروی کنند، معانی جدیدی می‌آورند و این امر هنگام وقوع حوادث دردناک و فاجعه‌ها بر آنها حادث می‌شود»، می‌نویسد: أبو هلال در اینجا متوجه انگیزه شخصی شده و به اهمیت

تحت تأثیر قرار گرفتن در ایجاد معانی جدید اشاره می‌کند (همان: ۱۵۰-۱۵۱). مبحث معانی شعر در این کتاب شامل مدح، هجا، وصف و تشبیب است. طبانه در این بخش از فصل پنجم بر این نظر است که أبو هلال در این تقسیم‌بندی‌ها درباره معانی شعری تحت تأثیر قدامة بن جعفر بوده است (همان: ۱۵۹). مبحث چهارم نیز درباره بررسی دیدگاه‌های أبو هلال در تشبیه، استعاره و کنایه است. طبانه درباره استعاره درست از نظر أبو هلال العسكري می‌نویسد: «چه بسا عبدالقاهر جرجانی همین مبحث را از وی گرفته و بعدها آن را به استعاره مفید و غیر مفید تقسیم‌بندی کرده است» (همان: ۱۷۱). در پایان نیز نویسنده به مبحث سرقت شعری، که از دو مقوله سرقت نیک و بد تشکیل شده، پرداخته است. طبانه اعتقاد دارد که أبو هلال نسبت به دانشمندان پیشین نقد و بلاغت در نگارش بخش سرقات شعری بسیار موفق بوده و روش‌های سرقت شعری و راه‌های پنهان کردن سرقت شعری از سوی ادیبان را به دقت بیان کرده است؛ هر چند نویسنده معتقد است که أبو هلال فضل و پیشگامی قاضی جرجانی و آمدی را در این مقوله فراموش کرده و نام آنها را ذکر نکرده است.

ح) فصل ششم: معیارهای بلاغی أبو هلال و اثر آن در بلاغت و بلاغت‌نویسان

فصل پایانی کتاب متشکل از ۴۴ صفحه است. نویسنده در این فصل به دیدگاه‌های بلاغی أبو هلال و اثری که او بر بلاغت بعد از خود گذاشته، پرداخته است. بدوی طبانه در آغاز درباره اهمیت أبو هلال، سخن علوی در کتاب الطراز را ذکر کرده است که می‌گوید: «أبو هلال در علم بلاغت بر هر دانشمند دیگری تقدم دارد و از این علم بهره فراوانی برده است». همچنین، طبانه اشاره می‌کند که عبدالقاهر جرجانی بسیاری از نظرهای او را در دو کتاب خود ذکر کرده است (همان: ۱۸۷-۱۸۸).

دیدگاه‌های بلاغی أبو هلال، که نویسنده در فصل ششم آنها را بررسی کرده است، شامل این موارد است: فصاحت و بلاغت، تشبیه، استعاره، کنایه و تعریض، ایجاز و اطناب و مساوات، فصل و وصل و هفت صنعت بدیعی که أبو هلال معرفی کرده است: تشطیر، مجاوره، تطریز، استشهاد و احتجاج، مضاعفه، تطف و مشتق.

نویسنده درباره اهمیت دیدگاه‌های بلاغی أبو هلال آورده که: ۱- بحث درباره فصاحت و بلاغت، که دیرزمانی دانشمندان بلاغت را به خود مشغول کرده بود، مدیون تلاش‌های أبو هلال در قسمت نخست الصناعتین است. ۲- أبو هلال به تفصیل و با دقت موضوع‌های ایجاز و اطناب و مساوات را بررسی کرده است، به گونه‌ای که دانشمندان بلاغت بعد از وی نتوانستند چیزی جز تفصیل انواع اطناب به آن بیافزایند. ۳- أبو هلال نخستین کسی بوده که به تفاوت اطناب و تطویل اشاره کرده است.

نقد و ارزیابی اثر

۱. نقد شکلی اثر

الف) اشکال‌های نگارشی، ویرایشی و چاپی:

با توجه به اینکه زبان مادری بدوی طبانه عربی است و در همین رشته تا مدرک دکتری تحصیل کرده است، قواعد نگارش در این اثر از جمله دقت در استعمال الفاظ و اصطلاحات و تعابیر و جملات صحیح نحوی به خوبی رعایت شده است. نویسنده با وجود اینکه بسیار تلاش کرده که قواعد ویرایشی و چاپی از جمله استفاده از علائم ویرایشی را در متن به درستی استفاده کند، اما مواردی در این اثر مشاهده می‌شود که این قواعد در آنها رعایت نشده است. در ادامه، با هدف اصلاح احتمالی این اشکال‌ها در چاپ‌های بعدی این اثر و نیز جلوگیری از تکرار آن در دیگر آثار علمی به برخی از اشکالات ویرایشی و چاپی کتاب اشاره می‌شود:

- موارد اندکی در کتاب وجود دارد که فاصله کلمات با هم رعایت نشده است؛ مثلاً صفحه ۵۳: بالمنزلة التي، صفحه ۱۱۱: استعمالهم له، کان مالي.
- چند نمونه در این اثر وجود دارد که کلمات به صورت ناخوانا و با قلم دیگری تایپ شده است: صفحه ۹۵: يستطیعوا، صفحه ۹۹: تخلیط، صفحه ۱۶۳: تظنه، صفحه ۱۸۱: النقل و صفحه ۱۹۷: کان.
- دو مورد در این اثر وجود دارد که شماره گذاری در متن کتاب با دقت صورت پذیرفته است. در صفحه ۲۰۵ کتاب، که به توضیح سه تفاوت کنایه و تعریض اختصاص دارد، در اولین تفاوت به جای ذکر (۱) از (۳) استفاده شده است. همچنین، در صفحه ۲۰۶ که درباره سه بخش بلاغت (بیان، معانی و بدیع است). در کنار اسم معانی، که باید با عدد (۲) ذکر شود، از (۳) استفاده شده است.
- یکی از اشکال های مهم کتاب رعایت نکردن علایم نگارشی و ترقیم است که نمونه هایی از آن ذکر می شود: الف) نویسنده در بسیاری از موارد در مورد نقل قول مستقیم، که باید داخل گیومه قرار گیرد، اهمال می کند؛ مثلاً در صفحه ۳۲ این کتاب، در ابتدای بند، گیومه برای نقل قول مستقیم باز شده، اما در پایان بند از گیومه برای مشخص شدن نقل قول استفاده نشده است. در صفحه ۶۱ نیز در ابتدا و انتهای بندی که نقل قول مستقیم است، این ایراد تکرار شده است. ب) استفاده نادرست از گیومه: «الصناعتین» الكتابة و الشعر». همچنین، نویسنده در صفحه ۱۰، در انتهای بند از علامت گیومه استفاده کرده است، در حالی که هیچ گونه ارجاعی در این بند وجود ندارد. پ) معمولاً ابتدای بندها- به غیر از بند اول هر مبحث- با یک سانتی متر تورفتگی تایپ می شود که این مورد در تمام بندهای اول مباحث این کتاب رعایت نشده است. ت) در برخی موارد فاصله علایم نگارشی با هم رعایت نشده است؛ مثلاً در صفحه ۵، ۱۰، ۳۴ و... حرف واو بدون فاصله از ویرگول یا کلمه قبلی قرار گرفته است. ث) در صفحه ۳۳، ۶۱ و ۱۶۴ قبل از

نقل قول، به جای استفاده از علامت دو نقطه، از نقطه استفاده شده است.

– برخی اشکال‌های تایی نیز در این کتاب به چشم می‌خورد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود: «ثم اخذت هذه المدينة تنمو ونزدهر» (طبانة، ۱۹۸۱: ۱۵). در مورد اول به جای فعل نزدهر از نزدهر استفاده شده است؛ «وكان في طبيعة اولئك الأعلام الذبن...» (همان). در این مثال الذبن به جای الذین قرار گرفته است؛ «قالها صخر بن عمرو بن الشريد السلمي احو الخنساء» (همان: ۱۷)، صحیح: احو به جای کلمه احو به کار رفته است؛ «ان سنه اذ ذاك كانت خمسا وثمانين سنة» (همان: ۲۱)، صحیح: کلمه اشتباه ثمانین به جای ثمانین قرار گرفته است؛ «ويعظم فيهم يذلهم ويسود» (همان: ۲۴)، صحیح: به جای اسم نذلهم، فعل يذلهم آمده است؛ «ثم اخذوا في بعض جزئياته» (همان: ۹۴)، صحیح: کلمه جزئیاته به صورت جزئیانه ذکر شده است؛ «فقد كان هدفه أن يوضح معالم اللاغية» (همان: ۹۵)، صحیح: کلمه اللاغیة به جای البلاغة نوشته شده است؛ «قد تخطب فبه» (همان: ۱۰۸)، صحیح: فیه به صورت اشتباه فیه تایپ شده است؛ «وقد مثل العسكري للغلو في المعاني يقول الطمحن مولي ابن ابي السمط» (همان: ۱۵۱)، صحیح: فعل يقول به جای بقول آمده است؛ «يصوغه ضياغة جيدة» (همان: ۱۷۳)، صحیح: ضیاغة به جای کلمه صیاغة استفاده شده است؛ «ينبيء» (همان: ۲۱۴)، صحیح: فعل ينبيء به صورت اشتباه ينبيء به کار رفته است؛ «وتكثيره عند استئناف كل لفظة» (همان)، صحیح: کلمه استئناف به جای استئناف ذکر شده است؛ «ولا يزال اكثر هذه التعاريف عمدة البلاغة اليوم» (همان: ۲۱۶)، صحیح: عمدة به صورت اشتباه به جای عمدة نوشته شده است؛ «هو رجل الصناعة الولوع بها وبتحلية الادب بفنونها» (همان: ۲۱۷)، صحیح: فعل يتحليه به جای بتحلية به کار رفته است.

ب) جامعیت صوری اثر

مطالب کتاب دارای نظم و انسجامی نسبی است؛ چراکه فهرست مطالب، مقدمه، پیشگفتار، ترتیب فصل‌ها به دقت رعایت شده است، اما برخی کاستی‌ها نیز در آن مشاهده می‌شود که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- در پایان فصل‌ها و، همچنین، در پایان کتاب نتیجه‌گیری و جمع‌بندی از مطالب انجام نگرفته است.

- این اثر فاقد تمرین و آزمون و فهرست اعلام و اماکن است.

- روش کتاب در معرفی اعلام و شخصیت‌ها در پانویست یکدست نیست. نویسنده گاهی به معرفی اعلام و شخصیت‌ها در پانویست پرداخته و گاهی از این کار امتناع ورزیده است؛ اعلام و شخصیت‌هایی که در پانویست این کتاب معرفی شده‌اند، عبارت‌اند از: عسکر مکرم، ابن سلام جمحی، ابن قتیبة، قدامة بن جعفر، آمدی، قاضی جرجانی، بشر بن معتمر، حمزه علوی. برخی از شخصیت‌های دیگر همچون ابن خلدون، جاحظ، ابن طباطبا علوی و ابن اثیر و ... معرفی نشده‌اند. نکته دیگر این است که نویسنده، در پایان معرفی پنج شخصیت، منبع جملات را ذکر نکرده است. همچنین، بیش‌تر معرفی‌ها کوتاه و در پنج تا هفت سطر است، اما در صفحه ۱۳۰ بشر بن معتمر در کوتاه‌تر از یک خط معرفی شده است.

- در فهرست مطالب کتاب، ابتدا دو مقدمه نویسنده بر چاپ‌های اول و دوم ذکر شده است که در صفحات سه و چهار کتاب خواهد بود، در حالی که تنها در صفحه هفت کتاب مقدمه نویسنده بر چاپ سوم کتاب وجود دارد.

۱. مقدمه و بیان هدف اثر

نویسنده در دیباچه کتاب درباره هدف نگارش کتاب گفته است که قصد دارد به معرفی أبو هلال العسكري، تلاش‌ها و جایگاه او در نقد و بلاغت، و تأثیر او در دانشمندان

پس از وی پردازد. همچنین، به این نکته اشاره کرده که هدف اصلی او بازنمایی دیدگاه‌های نقدی و بلاغی أبو هلال در بلاغت عربی و نقد ادبی است.

۲. فهرست اعلام، جدول‌ها و نمودارهای توضیحی

این کتاب فاقد نمایه اعلام، نمایه اصطلاحات و فهرست‌های تخصصی است. همچنین، در این کتاب از جدول، نمودار و تصویر استفاده نشده است. از جمله مزایای نمایه‌سازی متون علمی ایجاد سرعت و سهولت برای پژوهشگران در دستیابی به اطلاعات کتاب و نیز سازماندهی و انتقال اطلاعات علمی است.

۳. ارجاع‌ها

مؤلف کتاب حاضر از منابع خوب، ارزشمند و مرتبط با موضوع بحث استفاده می‌کند، اما مواردی در کتاب مشاهده می‌شود که شیوه صحیح ارجاع‌دهی به منابع در آن رعایت نشده است، در ادامه به این موارد اشاره می‌شود:

الف) یکی از مهم‌ترین اشکال‌ها در ارجاع‌های این اثر یکدست نبودن شیوه ارجاع به منابع است که در ادامه به انواع آن اشاره می‌شود:

- هرگاه کتابی برای نخستین بار در پانوشت ارجاع داده شود، باید مشخصات آن کتاب کاملاً ذکر شود. نویسنده تنها در یازده مورد از منابع کتاب اقدام به این کار کرده و در مورد منابع دیگر فقط به ذکر نام کتاب و صفحه مربوط بسنده کرده است.
- هرگاه در پانوشت یک صفحه دو مرتبه به یک کتاب ارجاع داده شود، باید به جای کتاب دوم المرجع نفسه یا المرجع السابق نوشته شود، ولی این نکته در این کتاب فقط در چند مورد رعایت شده است.

- در ارجاع به کتاب باید نام کتاب و شماره صفحه، برای مثال، به این صورت ذکر شود: الصناعتین، ص ۱۰، اما این نکته در کل کتاب به صورت یکدست رعایت نشده و به صورت‌های مختلف آمده است: **انظر نقد الشعر ۱۰، کتاب الفهرست ۱۰،**

النقد المنهجي (بدون ذکر شماره صفحه)، ص ۲۳ (بدون ذکر نام کتاب)، راجع
دلائل الاعجاز ص ۲۷۷.

ب) نام یکی از منابع در پانوشت به صورت ناقص ذکر شده است: صفحه ۱۰۴،
البلاغة العربية، صحیح: البلاغة العربية و اثر الفلسفة فيها.

پ) در برخی از پانوشت‌ها، که به معرفی مختصر شخصیت‌های علمی و ادبی
پرداخته، منبع این مطالب ذکر نشده است: ابن قتیبه دینوری پاورقی ص ۵۶، ابن
معتز پاورقی ص ۵۸، قاضی جرجانی پاورقی ص ۶۹، بشر بن معتمر پاورقی ص
۱۳۰، یحیی بن حمزه علوی پاورقی ص ۱۹۳.

ت) در صفحه ۹۲، شماره ارجاع به اشتباه ۲ درج شده است، در حالی که سومین
مطلبی است که نویسنده آن را ارجاع می‌دهد.

۴. فهرست منابع

فهرست منابع کتاب دارای ایرادهایی است که به مواردی اشاره می‌شود:

- فهرست منابع این کتاب تنها شامل نام کتاب و نویسنده است، در حالی که در این
قسمت باید مشخصات کامل اثر ذکر شود. نویسنده در برخی از موارد اقدام به ذکر
مشخصات کامل منبع در پانوشت کتاب کرده است.

- در فهرست منابع این کتاب، نخست نام کتاب‌ها بر اساس حروف الفبا نوشته شده
است. برای مرتب کردن فهرست منابع، به تبعیت از شیوه رایج جهانی ابتدا باید
شهرت و، سپس، نام پدیدآورنده به ترتیب حروف الفبا و، سپس، مشخصات دیگر اثر
قرار گیرد.

- نویسنده در صفحه‌های ۴۴، ۱۳۴ و ۱۳۵ از کتاب القاموس استفاده کرده، اما در
فهرست منابع نام آن ذکر نشده است.

- نویسنده در صفحه ۹ به کتاب لانسون با عنوان منهج البحث في تاريخ الأدب

ارجاع داده، اما نام این کتاب در فهرست منابع منهج البحث في الأدب واللغة ثبت شده است.

– در فهرست مطالب، نام کتاب تاریخ آداب اللغة العربية اثر جرجي زيدان ذکر شده، در حالی که نویسنده در کتاب خود از این منبع استفاده نکرده است.

۱. نقد محتوایی اثر

الف) میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن

محتوای اثر با عنوان کتاب تا حد بسیار زیادی انطباق دارد، اما نمونه‌هایی در کتاب وجود دارد که با عنوان فصل‌ها و فهرست مطالب هم‌خوانی ندارد و این موارد عبارت‌اند از:

– عنوان‌های فرعی ذکر شده در فهرست مطالب با عنوان‌های فرعی موجود در کتاب مطابقت ندارد. أحمد شلبي درباره اهمیت عنوان‌های فرعی می‌نویسد: «انتخاب مباحث فرعی و تنظیم عنوان‌های داخلی در هر اثر علمی یکی از مهم‌ترین معیارها در ارزیابی تسلط نویسنده بر عناصر و افکار اساسی موضوع است» (شلبي، ۱۹۷۴: ۳۳). در فهرست مطالب فصل اول، چهار عنوان فرعی بدون ذکر صفحه آنها برای این فصل ذکر شده است (هر کدام از این عنوان‌های فرعی متشکل از چند عنوان جزئی است که با علامت نقطه از هم جدا شده‌اند؛ مثلاً عنوان فرعی دوم این فصل به این صورت است: حياة أبي هلال، اساتذته، ثقافة، معني الأدب)، در حالی که در فصل اول کتاب شش عنوان فرعی یافت می‌شود. همین امر در فصل دوم نیز وجود دارد. نویسنده در فهرست مطالب ده عنوان فرعی برای این فصل آورده است، اما در کتاب فقط هشت عنوان فرعی وجود دارد. نکته دیگری در این باب وجود دارد و آن اینکه عنوان‌های فرعی، که در فهرست مطالب وجود دارد، با عنوان‌های فرعی ذکر شده در کتاب در جزئیات

- تفاوت دارد. در فصل‌های دیگر این کتاب نیز این اشکال دیده می‌شود.
- در برخی از فصل‌های این کتاب عنوان فرعی فصل‌ها بایستی برجسته‌تر از متن کتاب باشد تا مخاطب و خواننده اثر بتوانند به راحتی آنها را از سایر اجزای متن تشخیص دهد.
 - نویسنده در ابتدای فهرست منابع دو مقدمه را، که بر چاپ اول و دوم این کتاب نوشته شده است، ذکر کرده و آن دو را به صفحه‌های ۳ و ۴ ارجاع داده است، در حالی که این دو مقدمه در کتاب وجود ندارد و تنها مقدمه چاپ سوم این کتاب در صفحه‌های ۵ و ۶ وجود دارد.
 - پراکندگی آراء و نظرات بدوی طبانه در فصل چهارم به وضوح قابل مشاهده است. وی برخی از دیدگاه‌های خود را در این فصل، که مربوط به روش نقدی و بلاغی أبو هلال است، گنجانده است که ارتباط کمی با عنوان اصلی فصل و عنوان‌های فرعی دارد؛ مثلاً در صفحه ۱۱۲ نویسنده سؤالاتی را درباره میزان موفقیت أبو هلال در وضع معیارهای نقدی و بلاغی طرح کرده و در پاسخ نیز گفته که ترجیح می‌داده است این پرسش را در فصل پنجم مطرح کند.

ب) نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر

نویسنده محترم در هر فصل و مبحث‌های آن مقدمات را به خوبی بیان کرده و به صورتی منطقی و اصولی وارد بحث شده است. فصل‌های این کتاب به ترتیب مکمل یکدیگر هستند. نخست زندگی شخصی أبو هلال و استادان وی معرفی شده، سپس، نقد و بلاغت قبل از أبو هلال بررسی و تحلیل شده و در ادامه منابع مورد استفاده از سوی وی و آبشخورهای فکری أبو هلال العسكري معرفی شده است. در فصل چهارم، روش پژوهش أبو هلال در کتاب الصناعتین بررسی شده است. در دو فصل پایانی نیز نظرهای نقدی و بلاغی أبو هلال العسكري استخراج و به خوانندگان کتاب

معرفی شده است. همان‌گونه که در قسمت قبلی ذکر شد، یکی از مهم‌ترین اشکال‌های این کتاب مطابقت نداشتن عنوان‌های فرعی فصل‌های شش‌گانه در فهرست مطالب با متن کتاب است که نظم و انسجام کتاب را با اشکال اساسی روبرو کرده است. نویسنده در فصل پنجم به معیارهای نقدی أبو هلال و در فصل ششم به معیارهای بلاغی وی پرداخته است، با این تفاوت که عنوان فصل ششم عبارت است از: معیارهای نقدی أبو هلال و اثر آن در بلاغت و بلاغیون. پیشنهاد می‌شود برای انسجام بیشتر کتاب تأثیر دیدگاه‌های نقدی و بلاغی أبو هلال بر بلاغت و دانشمندان بلاغت پس از وی در فصلی جداگانه آورده شود.

پ) رعایت بی‌طرفی در نقد

بدوی طبانه در این اثر سعی کرده که، در بیان دیدگاه‌های خود، اصل بی‌طرفی را رعایت کند، اما نمونه‌هایی از تناقض در سخنان وی وجود دارد که این اصل در آنها رعایت نشده است:

- نویسنده در صفحه ۱۱۹ این کتاب درباره أبو هلال بر این نظر است که وی دارای ذوقی پیچیده و غیر طبیعی و ناپسند است. وی در صفحه ۱۲۶ درباره ذوق أبو هلال می‌نویسد: «أبو هلال دارای بهره فراوانی از ذوق بود و می‌توانست در بیش‌تر اوقات حکم‌های صحیحی را صادر کند». این تناقض در سخنان بدوی طبانه باعث سردرگمی خواننده می‌شود.

- تناقضی که در سخنان آغازین و پایانی نویسنده درباره دانشمندان بلاغت وجود دارد، بی‌طرفی نویسنده را زیر سؤال می‌برد. او در دیباچه کتاب در حمایت از علم بلاغت و دانشمندان این حوزه می‌نویسد که: «اینکه نقد پس از آنکه در آغاز به صورت ذوقی بود و، سپس، دارای روشی علمی شد و دانشمندان بلاغت عربی به طبقه‌بندی، تقسیم و تنظیم مباحث آن پرداختند، از شأن و ارزش نقد ادبی

نمی‌کاهد، بلکه چه‌بسا این روش برای کسی که می‌خواهد مردم را با درستی نظر خود قانع کند، ضروری به نظر می‌رسد» (طبانه، ۱۹۸۱: ۹). بدوی طبانه در پایان کتاب این روش منصفانه و عادلانه را در برخورد با روش علمی دانشمندان بلاغت قدیم فراموش کرده و با هجوم به آن به صف مخالفان آنها وارد شده است. او در صفحه‌های پایانی کتاب می‌گوید: «دانشمندان علم بلاغت همان کسانی هستند که با وضع قوانین و معیارها در حق ادبیات ظلم و جنایت کردند» (همان: ۲۳۰).

ت) رعایت امانت

نویسنده در بخش‌هایی از کتاب جانب امانت علمی را رعایت نکرده و مطالب بدون ارجاع به منبع ذکر شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

- در برخی از پاورقی‌ها، که به معرفی مختصر شخصیت‌های علمی و ادبی پرداخته، منبع این مطالب مشخص نشده است: ابن قتیبه دینوری پاورقی صفحه ۵۶، ابن معتز پاورقی صفحه ۵۸، قاضی جرجانی پاورقی صفحه ۶۹، بشر بن معتمر پاورقی صفحه ۱۳۰، یحیی بن حمزه علوی پاورقی صفحه ۱۹۳.
- طبانه بسیاری از مطالبی را که از کتاب الصناعین نقل کرده، ارجاع نداده است که باعث سردرگمی خواننده می‌شود؛ از جمله می‌توان به این صفحه‌های ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱ و ۲۲۴ اشاره کرد.
- طبانه در صفحه ۴۲ این اثر نمونه‌ای از نثر أبو هلال را در چند سطر ذکر کرده، اما منبع آن را مشخص نکرده است.
- نویسنده در فصل پنجم و ششم بسیاری از مطالب را بدون ارجاع به منبع آن در کتاب آورده است که از جمله آنها می‌توان به صفحه‌های ۱۵۱ و ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸ و ... اشاره کرد.

ث) میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات از جهت ارجاع به منابع جدید

بدوی طبانه در این کتاب از ۴۵ منبع گوناگون استفاده کرده است که شامل ۳۶ منبع قدیمی عربی و ۹ منبع جدید و معاصر است. منابع این کتاب دارای تنوع کافی است و نویسنده از منابع و مراجع تاریخی و ادبی و یک منبع لغوی بهره برده است. همچنین، منابع استفاده شده دارای ارزش علمی بالایی است؛ چراکه نویسنده از آثار نویسندگان معتبر قدیمی و معاصر استفاده کرده است. به نظر می‌رسد که نویسنده از منابع جدید و به‌روز کمتر استفاده کرده؛ مثلاً وی مستقیماً از آثار چاپ شده به زبان خارجی استفاده نکرده است، فقط یکی از منابع جدید است با عنوان منهج البحث في الأدب واللغة که لانسون و مایه این کتاب را به زبان فرانسوی تألیف کرده‌اند و دکتر محمد مندور آن را به زبان عربی ترجمه کرده است.

ج) نوآوری و ارزش علمی اثر

این کتاب نخستین و مهم‌ترین اثری است که به زبان عربی به صورت کامل به معرفی أبو هلال العسكري و بررسی و نقد دیدگاه‌های نقدی و بلاغی او پرداخته است. نویسنده آن از ناقدان سرشناس و مطرح جهان عرب است که به سبب آشنایی کامل با حوزه نقد و بلاغت آثار مهم و ارزشمندی را در این زمینه تألیف کرده است؛ هرچند ایرادهای علمی نیز در این اثر قابل مشاهده است؛ مثلاً نویسنده در صفحه ۱۲۱ به اشتباه گفته که ساختمان علم بلاغت از سوی أبو هلال العسكري به اتمام رسیده است، در حالی که همگان بر این نظرند که عبدالقاهر جرجانی واضع علم بلاغت است. همچنین، وی در صفحه ۱۶۸ کتاب ذکر کرده که أبو هلال سه باب درباره موضوعات تشبیه، استعاره و کنایه تألیف کرده است، در حالی که أبو هلال برای موضوع استعاره و کنایه فقط دو فصل نگاشته است.

چ میزان تناسب و جامعیت محتوا و موضوع این اثر با سرفصل‌های برنامه درسی

محتوای این کتاب فقط با یکی از عنوان‌های فرعی سرفصل درس نقد ادبی دوره کارشناسی و دکتری زبان و ادبیات عربی تناسب دارد. سرفصل این درس در دوره کارشناسی عبارت است از: هدف از نقد ادبی، عناصر تشکیل‌دهنده متن ادبی (الفاظ، موسیقی، ترکیب، سیاق)، معیارهای نقد نزد قدما، معیارهای نقد نزد معاصران، روش‌های نقد و مدارس نقدی. همچنین، در سرفصل درس نقد ادبی دوره دکتری آمده که بررسی آراء معتبر ناقدان ادب عربی قدیم و بررسی موضوعاتی مثل خطای معانی و مبحث سرقات و ... از اهداف این درس است. لذا، از آنجا که این اثر به بررسی مقیاس‌های نقد و بلاغت نزد أبو هلال العسكري می‌پردازد، می‌تواند به عنوان منبعی فرعی و کمکی باعث ایجاد درک صحیحی از یکی از سرفصل‌های درس نقد ادبی نزد دانشجویان شود.

پیشنهاد

- ذکر خلاصه‌ای از زندگی‌نامه یا شرح حال علمی نویسنده در آغاز کتاب.
- ارائه خلاصه فصل و نتیجه‌گیری در پایان هر فصل و، همچنین، پایان کتاب.
- ذکر مشخصات کامل کتاب‌ها در فهرست منابع.
- افزودن عنوان‌های جدید در فصل‌های کتاب که لازمه تحقیقی علمی است و تغییر اندازه قلم این عنوان‌های فرعی برای تمایز از مطالب اصلی فصل‌ها.
- معادل لاتین و انگلیسی اصطلاحات مهم در پانوشت ذکر شود؛ مثلاً، در صفحه‌های ۹۰، ۹۱، ۹۴ و ۱۰۵، اصطلاحات نقد عربی همراه با معادل انگلیسی آنها در متن کتاب آمده است که باید به پانوشت منتقل شود: (موضوعی: objective، الطريقة التاريخية: historical method، ذاتی: subjective، النقد التوضیحي:

(poitikae: الشعر، retorikae: الخطابة، explanatory criticism)

- ذکر پیشینه‌ای از تحقیقات انجام شده درباره أبو هلال العسكري و نظرهای نقدی و بلاغی او در کتاب الصناعتین در مقدمه کتاب.
- ارائه پیشنهاد برای کارهای تحقیقی و پژوهشی از سوی نویسنده در مقدمه کتاب که قطعاً راه‌گشای پژوهشگران و محققان در آینده خواهد بود.

نتیجه

- ۱- کتاب أبو هلال العسكري و مقایسه النقدیة والبلاغیة نخستین و مهم‌ترین اثری است که به زبان عربی به معرفی أبو هلال العسكري و بررسی و نقد نظرهای نقدی و بلاغی او پرداخته است. نویسنده آن از ناقدان سرشناس و مطرح جهان عرب است که به سبب آشنایی کامل با حوزه نقد و بلاغت آثار مهم و ارزشمندی را در این زمینه‌ها تألیف کرده است.
- ۲- محتوای اثر با عنوان کتاب تا حد بسیار زیادی انطباق دارد. فصل‌های این کتاب به ترتیب مکمل یکدیگر هستند.
- ۳- این کتاب نیازمند ویرایش فنی است: اصلاح غلط‌های املائی، اصلاح یا اعمال نشانه‌گذاری‌های متن، یکدست کردن ارجاع‌ها در پاورقی، اعراب‌گذاری اشعار، مشخص کردن حدود نقل قول‌ها، کنترل اندازه و نوع قلم حروف.
- ۴- از ایردهای این اثر می‌توان به این نکته اشاره کرد: الف- در پایان فصل‌ها و همچنین، در پایان کتاب، جمع‌بندی از مطالب انجام نگرفته است. ب- عنوان‌های فرعی فصل‌های شش‌گانه در فهرست مطالب با متن کتاب مطابقت ندارد که نظم و انسجام کتاب را با اشکال اساسی روبرو کرده است. ج- رعایت نکردن یک شیوه واحد در ارجاع‌ها. د- نداشتن ارجاع‌های دقیق به منابع در نیمه دوم کتاب.

منابع

- ابن خلكان، أحمد بن محمد، (١٩٧٧)، وفيات الاعيان وانباء ابناء الزمان، المصحح: إحسان عباس، بيروت: دارالصادر.
- شلبي، أحمد، (١٩٧٤)، كيف تكتب بحثاً أو رسالة، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- ضيف، شوقي، (١٣٨٣)، تاريخ و تطور علم بلاغت، مترجم: محمدرضا تركي، تهران: سمت.
- طبانه، بدوي، (١٩٨١)، أبو هلال العسكري و مقاييسه البلاغية و النقدية، بيروت: دارالثقافة.
- عبدالمنعم، محمد نورالدين، (٢٠٠٨)، بلاغت عربي و تأثير أن در بيدایش و تحول بلاغت فارسی، مترجمان: أبو الفضل رضائي و أبو الفضل تقی پور، تهران: انتشارات دانشگاه شهيد بهشتی.
- العسكري، أبو هلال، (٢٠٠٦)، الصناعتين الكتابة و الشعر، المحقق: علي محمد البجاوي، محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: المكتبة العصرية.
- محبتي، مهدي، (١٣٨٨)، از معنا تا صورت، تهران: سخن.
- المراغي، أحمد مصطفى، (١٩٥٠)، تاريخ علوم البلاغة و التعريف برجالها، القاهرة: نشرة مصطفى البابي الحلبي و أولاده.
- www. almoajam.org.